

پیروزی کوبانه پیروزی عین العرب و پیروزی سوریه دموکراتیک و متحد است

شهر عین العرب همان شهر کوبانه (کوبانی) است منتها به نام عربی آن، همه از کوبانه نام می برند و کمتر کسی است که به گوید عین العرب. همه نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی که در مسیر سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا و متحدینش برای تجزیه سوریه و ایجاد «خاورمیانه نوین» حرکت می کنند، کوبانه را بر زبان می آورند نه به خاطر طرفداری از مردم و مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک آن مردمان دلیر، بلکه برای تأکید بر نام گُردی این شهر و احتراز از نام عربی آن و تأیید تشدید شکاف و دشمنی بین گُردها و مردمان عرب مقیم سوریه. برعکس، چه خود انقلابیون گُرد کوبانه و چه همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و کمونیست نام «کوبانه» را از این جهت به کار می برند که تجاوز داعش و نتیجتاً مبارزه انقلابی برای دفاع از میهن مشترک همه سوری ها برای وحدت مجدد همه در چارچوب کشور واحد سوریه از آنجا آغازید. در کوبانه است که نیروهای آدم کش و متجاوز داعش دست به جنایت و غارتگری زدند، در آن جاست که همه کوبانی ها در سنگر مبارزه ای مردمی برای دفاع از زادگاه و میهن خویش برخاستند. این کوبانه است که بر طبق استراتژی امپریالیسم آمریکا و متحدان او بایستی سقوط کند تا سوریه قابل تجزیه و تصرف گردد. بنابر این روشن است که برای حزب ما نیز «کوبانه» همان عین العرب و «عین العرب» همان کوبانه است. دو نام برای یک شهر که نشان دهد وجود دو قوم گُرد و عرب و پیوند و همبستگی آنان در قالب یک کشور واحد است.

امپریالیست ها مودیانه سخن از عین العرب نمی گویند. تو گوئی مُهر جدائی قطعی آن را از سوریه از قبل امضاء کرده اند. آنان بر عکس ریاکارانه نه برای دفاع از کوبانه و اهالی گُرد سوریه، بلکه به منظور نفاق بین آنان و خلق عرب، برای جدائی سرزمین آنان و نابودی سوریه به عنوان یک کشور واحد مستقل، از کوبانه و دفاع از مردم آن جا مدام و از چپ و راست سخن می گویند. در عین حال دست داعش، دولت ترکیه و همه متحدین اش را برای تضعیف جبهه مقاومت انقلابی کوبانه باز گذاشتند و با تمام امکانات خویش جاده بازکن شکست مبارزه دفاعی کوبانه شده اند.

متأسفانه در این میان کم و بیش پاره ای از نیروهای مترقی و کمونیست های سابق در دفاع از مبارزه میهن پرستانه و ضد امپریالیستی کوبانه (عین العرب) دچار سردرگمی و توهم گشته اند و ناخودآگاه آب در جوی امپریالیست ها روانه می سازند. از جمله این نیروها گروهی از حزب چپ آلمان در بیانیه ۱۴ نفر از سیاستمداران آن (به تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۱۴) خواهان ورود نیروهای مسلح از طرف سازمان ملل برای به اصطلاح سرکوبی داعش و کمک به خط دفاعی مردم کوبانه گشته اند. در این بیانیه حتی برای حفظ ظاهر نیز نامی از سوریه در میان نیست. تو گوئی تجزیه این کشور مسجل شده است. آیا می توان تصور کرد که این امر تنها از گمراهی و بغرنجی مسائل مطروحه برمی خیزد؟ و یا آن که بوی کسب قدرت دولتی و شرکت در حاکمیت بورژوازی آنان را بیهوش کرده و به گرداب اپورتونیسیم و تسلیم طلبی کشانده است؟ در این جا نیز می بینیم که رویونیسم نیز بر سر حزب چپ آلمان (Die Linke) این باقی مانده حزب سوسیالیست متحده آلمان مترقی چه بلائی نیست که نیاورده باشد. ورود نیروهای مسلح خارجی چه از نوع سازمان ملل آن و چه نوعی دیگر در خاک سوریه، اهرم مهم تجزیه کشور سوریه است. در کنار برنامه و نقشه «اردوغان» مبنی بر بوجود آوردن «منطقه امن»، ورود نیروهای مسلح پیاده و سرنگونی اسد، پیشنهاد این عده از حزب چپ آلمان نیز در لباس طرفداری از مبارزه مسلحانه کوبانی ها در جهت تحکیم استراتژی امپریالیستی مبنی بر تجزیه سوریه و بوجود آوردن جغرافیای جدید خاورمیانه است. هیچ انسان دموکرات و یا ضد امپریالیستی و به مراتب اولی هیچ کمونیستی نمی تواند استقلال و حق حاکمیت ملی کشوری را زیر پا گذاشته، تجاوز به یک کشور، اشغال و یا تجزیه آن را خواهان شود تا چه رسد به آن که عملاً نیز قدم در جهت اجرای آن گذارد. این امر به ماهیت سیستم و دولت حاکم ربطی ندارد. هیچ کشوری و یا نیروئی (همانند داعش) مجاز نیست که در امور داخلی کشوری دیگر آن چنان دخالت کند که حتی نظام و رژیم حاکم کشوری دیگر را به خوب و یا بد تقسیم کرده آنها را که مطابق میل و مطامع خود نمی شناسد از حق استقلال و حاکمیت معزول کرده و آن کشورها را مورد تجاوز قرار دهد. جنگ تجزیه یوگسلاوی (در سال 1991) و سپس دخالت ناتو در سالهای بعد مترتب برآن تجزیه و نابودی وحدت ملی آن کشور، شروع روابط جدید استعمارگرانه نوینی بود که پس از فروپاشی نظام رویونیستی شوروی بر جهان ما حاکم گشت و راه را برای استثمار هر چه بیشتر توده های زحمتکش جهان و سلطه بی رقیب امپریالیسم غرب تحت رهبری آمریکا هموار ساخت.

بورژوازی استقلال را تنها برای خود مجاز و حتی متحدینش مقدس می شمارد. همه استعمارگران کهنه و نو و نوین، همه امپریالیست ها برای دیگران و به ویژه کشورهای ضعیف، عقب مانده ولی حاصل خیز و پر نعمت، هیچ گونه حق

حاکمیت ملی و استقلال سیاسی قائل نبوده و نیستند. آنان در قرون گذشته و در آغاز بحبوحه رشد و اعتبار سرمایه داری، تحت لوای کوسموپولیسیسم (جهان وطنی) اوائل قرن ۱۹ که در آغاز جنبه گسستن از تنگ نظری و محافظه کاری ناسیونالیستی داشت و ادعای پیوستگی و تفاهم ملت ها و کشورهای جهان را می کرد، به زودی مردم کشورهای خویش را قانع ساختند که ورود آنان به کشورهای دور دست آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی و استعمار آنان جنبه مترقی دارد و برای پیشرفت آنان و تکامل تمام جامعه بشری است. این شیوه برخورد و بینش استعماری که جهان را در واقع مابملک خود می شناخت و هرگونه حق ملی، سیاسی و رشد مستقل را از کشورهای مستعمره ربوده و به حقوق گل و گشاد خود ملحق می ساخت، هنوز که هنوز است وجود دارد. و متأسفانه می بینیم که حتی برخی از «چپ» های ما ساکن در کشورهای امپریالیستی زمانی که بر پایه محکم ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم قرار نگرفته، دچار تردید، توهم و گرفتار اپورتونیسیم و رویزیونیسم گشته اند، نیز همانند بورژوازی امپریالیستی خود را محق می بینند، با گستاخی به سود بورژوازی امپریالیستی بر ضد توده های مردم و زحمتکشان آن کشورها موضعگیری کنند، در آن کشورهای که بر اثر حمله و تجاوز امپریالیست ها دچار ضعف، بحران و جنگ و ناامنی گشته اند.

سؤال ما از این گونه «چپ» ها و گروه های همانند که در ظاهر از مبارزات مردم کوبانه دفاع می کنند ولی نسخه های دخالت نظامی در کوبانه را برای به اصطلاح پایان دادن به «فاجعه این منطقه» پیشنهاد و یا تأیید می کنند، این است که چنانچه شما واقعا هواخواه پیروزی جبهه مردم و نه امپریالیسم هستید، چرا اولاً پیشنهاد کمک نظامی مستقیم به مبارزین انقلابی دولت قانونی و رسمی این کشور نمی کنید و از «اسد» مدد نمی گیرید و یا حداقل برای حفظ حاکمیت ملی سوریه پای اسد را نیز به میدان مشورت و مذاکره نمی کشید؟ چرا در بیانیه خود خواهان ورود نیروهای نظامی سازمان ملل می شوید ولی نامی از کشور سوریه نمی برید؟ آیا شما نیز همانند امپریالیست های جنگ افروز غرب، مَهر تجزیه سوریه و طرح «خاورمیانه نوین» را با نقشه جغرافیایی دیگر و شاید آماده شده، امضاء کرده اید؟ و یا گمان می برید از این طریق که زیر چتر حمایت امپریالیسم آمریکا و متحدانش گرد آئید، شاید در آینده ای نزدیک در مقام های حاکمیت دولتی جایی برای خود بیابید و خود را با این طرح تجزیه طلبانه به امپریالیستها به عنوان اپوزیسیون قابل اتکاء در ایران عرضه کنید؟

دول امپریالیستی چنان وانمود می کنند که آنها طرفدار همه کردها هستند و مخالف داعش. در واقع اکثر آنان و در رأس آنان آلمان، کمک نظامی خود را تنها متوجه کردستان عراق و حکومت بارزانی و تقویت او کرده، کوبانه کرد را در مسلخ خانه داعش تنها گذاشته، تنها به حرف و عوامفریبی اکتفا می کنند. ما در این جا با دو شیوه برخورد با کردها روبرو هستیم و علت آن نیز وجود واقعی دو بخش متفاوت کردها از لحاظ کیفی و جهت گیری سیاسی است. بخش اول کردهای مقیم عراق اند که متأسفانه و عمدتاً خود را تسلیم رهبران فاسد و فئودال خویش در رأس آنان بارزانی ساخته اند. رهبرانی که چنگال خود را در مناطق نفت خیز عراق (عمدتاً موصل) فرو کرده و از این طریق متحد پر و پا قرص آمریکا گشته اند. بخش دوم کردهای مناطق شمالی سوریه اند که در برابر تجاوزات داعش و امپریالیست ها در برابر اعمال زور و توطئه های مدام ترکیه مقاومت کرده با تشکیل شوراهای مقاومت، عملاً در جهت منافع راهبردی امریکا عمل می کنند. اولی وابسته به منویات ارتجاع جهانی و مدافع استراتژی امپریالیستی مبنی بر تقسیم سوریه و عراق و تشکیل دولت جدید است و دومی متکی بر مردم و منافع اکثریت آن و سمبل وحدت و پیوستگی همه خلق و تجمع در یک سوریه دموکراتیک متحد است.

روشن است که امپریالیست ها با این سمبل هیچگونه سازشی ندارند و همچنین راسخ است که چرا از کردهای عراق به عنوان متحد پا برجای خویش دفاع می کنند.

فراموش نکنیم که در دفاع میهنی کوبانه قوای دفاعی خلق که The Peoples Protection Units YPG که به عنوان بازوی حزب کار کردستان (PKK) تلقی می شود، نقش اساسی و تعیین کننده ای را دارد. همان حزبی که از سوی امپریالیست ها به عنوان گروه تروریستی مورد تعقیب است. طبیعی است که چنین امری هم چون خار در چشم امپریالیسم است - به ویژه آن که نبرد کوبانه از حالت اولیه و ناپختگی و کم انسجامی خود برون آمده و به یک نبرد وسیع توده ای نسبتاً منظم، با آرمان های روشن و فرموله شده تبدیل گشته است. پافشاری و استمرار مبارزین انقلابی کوبانه در دفاع از میهن تنها ضامن پیروزی آنان است. ولی امپریالیست ها برای پیروزی در این نبرد دو راه بیشتر ندارند، یا کوشش برای نفوذ سیاسی در آن و انحراف مسیر این مبارزه (که به نظر می آید کوشش هائی در این جهت انجام یافته و شواهد آن نیز اگرچه اندک هم اکنون از طریق پیوستن برخی از افراد اپوزیسیون ضد اسد به YPG (قوای دفاعی خلق) به چشم می خورد و یا با نیروی توپ و تانک و شکست نظامی این نبرد.

امیدواریم که مبارزان انقلابی کوبانه با هوشیاری و تدبیری که تا به حال از خود نشان داده اند، به راه خویش همچنان ادامه داده و اجازه هیچگونه کج روی را ندهند. این مبارزه قهرمانانه و کم نظیر کوبانی ها برای دفاع از وطن مشترک

- بدون تردید در تاریخ چند ده ساله گذشته کم نظیر است - بیهوده نیست که امپریالیست ها با همه نیروی ممکنه خود و با مدد داعش و همه متحدان رنگارنگ خویش و ارتجاع منطقه با نقاب دفاع از کوبانه ولی به منظور سقوط آن به میدان مبارزه آمده اند. نبرد کوبانه از کیفیتی تازه سرچشمه می گیرد. از عصیان مردمی که از سوی همه قدرتمندان ارتجاعی و امپریالیستی به بازی گرفته شده اند، از تصمیم راسخ آنان برای اتحاد وسیع همه نیروهای خویش به منظور دفاع از میهن و برای اهداف عالی انسانی.

پیروزی کوبانه پیروزی کرد و عرب، مسلمان و مسیحی، کمونیست و غیر کمونیست پیروزی همه میهن پرستان سوریه علیه تجاوز ارتجاع و امپریالیسم است. پیروزی عین العرب است. این پیروزی ناقوس شکست سیاست «شکاف انداز و حکومت کن» سیاست تجزیه منطقه و تجدید حاکمیت بلامنزاعه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکاست. به امید آن روز که امپریالیسم و داعش و همه «داعش» های دیگر سرزمین خاورمیانه را با ننگ و نفرت ترک گویند.

بر گرفته از توفان شماره 177 آذر ماه 1393 دسامبر

سال 2014، ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل)

toufan@toufan.org

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>